

به یاد یاران

به کوشش:

استاد محمد جعفری



انتشارات پریسک

۱۴۰۰



انتشارات پریسک

به یاد یاران

به کوشش: محمد جعفری

- سرشناسه : جعفری، محمد، ۱۳۲۱ -
عنوان و نام پدیدآور : به یاد یاران / به کوشش محمد جعفری.
مشخصات نشم : خرم‌آباد: پریسک، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری : ۱۳۲ ص.: مصور (رنگی).
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۵۰۸-۴-۸ ریال ۸۰۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع : Persian poetry -- ۲۰th century
رده بندی کنگره : PIR ۳۳۹
رده بندی دیویی : ۶۲ / ۸۵۱
شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۳۰۶۸۸۷
اطلاعات رگورد : فیبا
کتابشناسی

www.ketab.ir

ناشر: انتشارات پریسک،

۰۹۲۰۸۶۵۶۰۲۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه، جاب اول ۱۴۰۰

مدیر هنری: امین رحبیا

صفحه‌آرا: راهبه خوشنود

طراح جلد: شاهین صالح

جاب و صحافی: مهرگان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۵۰۸-۴-۸

periskpub@gmail.com

بهاء: ۸۰۰۰۰ تومان

بخش در:

فروشگاه اینترنتی کتاب پریسک:

shop.iranpoetry.ir

همراه: ۰۹۱۶۶۶۶۶۰۲۷ - ۰۹۲۰۸۶۵۶۰۲۷



مقدمه:

مایه مباهات بنده حقیر است که با اعضای «باشگاه کوهنوردی یافته» آشنا شده‌ام، خصوصاً «استاد محمد جعفری»، آقایان «حسین شکیب» و «محمدرضا ثنایی منش» و عزیزانی که نامشان فراموش شده اما در لوح خاطرم مرعده هستند و از ضمیرم زدوده نمی‌شوند. استاد محمد جعفری از نوادر شعرایی هستند که گاهی در خاموشی پردرد خیال خویش شعری می‌سرایند؛ شاعری صدیق و صمیمی که اشعارشان بر اساس آفات شعریشان سروده شده، و نه به تأسی از شاعران دیگر. دوبیتی‌های سروده شده‌شان که در نزد اهل فن در بهر هزج مسدس محزوف (مفاعیلن، مفاعیلن، فعولن) سروده شده است مبین عرایض اینجانب می‌باشد. ضمن قدردانی از این شاعر فرزانه و صدیق برای ایشان طول عمر مزین با خلوص نیت را از یزدان پاک خواستارم، زیرا انجمن آرای محافل و اسوه اخلاق است و بدون هیچگونه مبالغه می‌توان گفت که تمام اشعار ایشان

برگرفته از تجارب شخصی این بزرگمرد بوده و حاصل هزاران بار نظاره‌گری طبیعت و جغرافیای لرستان می‌باشد.

کتاب حاضر مجموعه اشعار تقدیمی ایشان به دوستان و همراهان طبیعت‌گرد است، اگرچه پوزشی هم بدهکار کسانی است که شاید نامشان فراموش شده یا از قلم افتاده است.

همگی خسته‌کننده شده‌ایم

همگی پا به فراریم، فرار

بی‌قراریم، قرار

بخدا می‌دانم آستانه تحمل چقدر پایین است

منتها سخت‌گیر

از کجا میدانی از کجا معلوم است

زندگانی شاید

چای دم کردن با چوب بلوطی باشد

از کجا میدانی از کجا معلوم است

زندگانی شاید تکیه دادن ما زیر درخت بید است

ظهر یک تابستان زیر یک سایه خس

و همین ما را بس

و همین ما را بس

«امین استغفاری»